**مدیریت استراتژیک یا تیلوریسم استراتژیک**

مطالعه موردی تغییرات ایجادشده در یکی از دولت های محلی بریتانیا

کریستوفر استونی

**خلاصه مقاله:**

هدف اصلی این مقاله بررسی روابط مفهومی وعملی بین مدیریت استراتژیک و مدیریت علمی است.این مقاله نشان می دهد که مسیرهای موازی و روشنی بین این دو مدل وجود دارد،در نتیجه از این که مدیریت علمی هنوز هم تاثیرات مهمی بر مدیریت مدرن در هر دو حوزه نظری وعلمی دارد حمایت میکند.با این حال،علی رغم منشا مشترک،مدیریت استراتژیک به ابزاری توسعه یافته تر با توانایی های بالقوه گسترده تر برای مدیریت تبدیل شده است.دراین مقاله همچنین روند تغییرات سیاسی دردولت های محلی به شکلی واقع بینانه بررسی شده و عملکرد دولت محلی پس از اجرای مدیریت استراتژیک مورد ارزیابی قرار گرفته است.

**مدیریت استراتژیک چیست؟**

مدیریت استراتژیک هدف های سازمان را به محیط عملیاتی آن مرتبط می داند\_نه صرفا به شکلی واکنشی بلکه بر اساس برنامه ای آگاهانه برای اعمال نفوذ واهرم کردن سازمان،اگر نگوییم کنترل سازمان

**کارایی از طریق عقلانی کردن**

مدیریت استراتژیک از طرق مختلف کارایی و خردگرایی را ارتقا می دهد.نخست،از طریق تغییر فرایند تصمیم گیری و تعمیم تقسیم کار به سطوح بالای مدیریت.

تیلور چند توصیه اساسی را در رابطه با افزایش کارایی مطرح کرد:

اول تقسیم کار بیشتر،شکستن کارها،تاکید بیشتر بر برنامه ریزی،افزایش ارزیابی و اندازه گیری مشاغل،تغییر ساختار کارها و توسعه فکر مدیریتی. دوم اینکه تعیین دقیق و شفاف اهداف باعث کاهش ابهام،اتحاد میان منافع و وظایف سازمانی و به طور کلی کاهش تعارضات مخرب می شود.

**یکپارچه سازی**

یکپارچه کردن سازمان حول اهداف و مقاصد اصلی سازمان عاملی کلیدی در اجرای مدیریت استراتژیک توسط رهبران ملچستر بوده است.طی چندین سال پیش از استفاده از مدیریت استراتژیک،شورا با دوره ای طولانی از خصومت و درگیری مواجه بود و نمی توانست اهداف سیاسی را به سیاست های سازمانی تبدیل کند و مدیران اجرایی و کارکنان ارشد پیوسته سازمان را ترک می کردند.

**جداسازی مفهوم از اجرا**

براورمن جداسازی مفهوم از اجرا را به عنوان یکی از اصول کلیدی مدیریت علمی معرفی کرد،آن را به عنوان استراتژی کنترل مدیریتی از طریق انحصاری کردن دانش،مفهوم سازی کرد

**برنامه ریزی آینده**

تیلور طرفدار این نظر بوده که مدیران باید نقش «عقلای کل نگر» را ایفا کنند،چرا که بینش لازم را برای درک صلاح کارکنان دارند.تیلور همچنین بر این باور بود که وظیفه ی اصلی مدیریت برنامه ریزی برای آینده است

**تشدید کار**
تعدادی از مدیران در پایداری بلند مدت این استراتژی تردید داشتند و یکی روسای خدمت می گفت :گزینه کار بیشتر دیگر گزینه قابل قبولی نیست یکی از نگرانی های اصلی مدیران عملیاتی اکنون ،افزایش حجم و فشار کارو اثرآن بر سلامت ،فرهنگ و روحیه کارکنان است **کنترل و تعهد**

مدیریت استرانژیک را همچنین می توان یک ساز و کار کنترل دانست اگرچه ابزارهای مورد استفاده برای کنترل نشان دهنده اهمیت نقاط افتراق مفهومی و عملی مدیریت استراتژیک از مدیریت علمی است.

**نتیجه گیری**

تیلوریسم یک سیستم شکست خورده نیست که نظریات پیچیده رفتاری جایگزین آن شده باشد.بلکه اشکال مدرن مدیریت پیچیده تر از روش های مورد نظر تیلور هستند.

مدیریت استراتژیک مدیریت افراطی نیست و نمی توان آن را فرزند مدیریت علمی دانست،بلکه شباهت هایی کافی وجود دارد که تداوم تفکر تیلور را در حوزه مدیریت مدرن نشان می دهد.